

نگاه

آموزش و پرورش مدنی و حقوق بشر

نمی‌تواند شهروند نوآور پرورش دهد. دانش آموز، هنگامی که در مدرسه، تنها به جزوه نوشتن عادت می‌کند و یاد می‌گیرد که به سخنان آموزگار و درون‌مایه کتاب‌های درسی، به‌سازمان‌گزاره‌های

مهدی بهلولی

عضو انجمن کارشناسان آموزش و پرورش



حق و وظیفه مدنی، دو مفهومی هستند که با مفهوم «شهروند» پیوندی ناگسستنی دارند. یعنی نمی‌توان از شهروند سخن گفت اما به حقوق و وظایف شهروندی نپرداخت. اما شاید بتوان گفت که آنچه در یک صدسال گذشته از مفهوم شهروندی در جامعه ما بازتاب یافته، بیشتر از حقوق، بر وظایف تأکید داشته است.

کودکان با بیستی برای

اگرچه در این زمانه، راهمان و بیاری کنده‌اند. در آموزش و پرورش مدنی، دانش آموز باید یاد بگیرد که در یک دموکراسی، که بر بنیاد حق اکثریت اداره می‌شود، باید حقوق بنیادین اقلیت نیز رعایت شود. دانش آموز باید با چالش همیشگی حقوق اکثریت - اقلیت آشنا شود و راه برخورد به دور از خشونت این چالش را فراگیرد. به تمرین فضیلت‌هایی مانند خوشبختنداری، شکیبایی، دواندیشی، عدالت و نیکوکاری بپردازد. حقوقی که همه انسان‌ها، به‌گونه‌ای

برابر، از آن برخوردارند را پاس دارد و رعایت کند. به ارزش مشترک همه انسان‌ها احترام بگذارد. در زندگی سیاسی - مدنی اجتماعی که در آن می‌زید مشارکت مسئولانه کند. دانش آموز باید با تاریخ حقوق بشر آشنا شود. به گفته فلیکس گارسیا موربون، یکی از اندیشمندان آمریکایی: «کودکان با بیستی برای اندیشیدن و گفت‌وگو درباره حقوق بشر، فرصت بیابند. آنها، پیش از هر چیز، نیازمند دریافت بهتری از تاریخ حقوق بشرند تا در یادند که بسیاری از حقوقی که هم‌اکنون از آنها برخوردارند یا بدیهی می‌انگارند - همچون مدرسه رفتن یا برخورداری از مراقبت‌های پزشکی - پیروزی‌هایی اجتماعی هستند که در سایه نبرد های کسان بسیار به دست آمده‌اند»

برای آن بر خوردارند از پاس دارد و رعایت کند. به ارزش مشترک همه انسان‌ها احترام بگذارد. در زندگی سیاسی - مدنی اجتماعی که در آن می‌زید مشارکت مسئولانه کند. دانش آموز باید با تاریخ حقوق بشر آشنا شود. به گفته فلیکس گارسیا موربون، یکی از اندیشمندان آمریکایی: «کودکان با بیستی برای اندیشیدن و گفت‌وگو درباره حقوق بشر، فرصت بیابند. آنها، پیش از هر چیز، نیازمند دریافت بهتری از تاریخ حقوق بشرند تا در یادند که بسیاری از حقوقی که هم‌اکنون از آنها برخوردارند یا بدیهی می‌انگارند - همچون مدرسه رفتن یا برخورداری از مراقبت‌های پزشکی - پیروزی‌هایی اجتماعی هستند که در سایه نبرد های کسان بسیار به دست آمده‌اند و می‌توانند از زندگی اجتماعی و سیاسی ناپدید شوند، به محض این که مردم، دست از پافشاری بر آنها بردارند و در واقع، این همان رویدادی است که هم‌اکنون رخ می‌دهد. هنگامی که زیر فشار نیروهای نولیبرال - که از سوی سازمان‌های چند ملیتی، بانک جهانی و صندوق جهانی پول رهنمود می‌گیرند - دولت رفاه در حال برچیدن است. دانش آموزان همچنین به ناگزیر باید بی‌برند که در جهان کنونی، همه به یکسان، از حقوق بشر - حتی همان حقوق پایه‌ای و بنیادی تر - برخوردار نیستند. چه سا آنها نمانند

کوشش‌هایی وجود دارد که به‌گونه‌ای سازمان یافته، برخی یا بسیاری از آن حقوق ویژه را زیر پای می‌گذارند. آن هم از سوی همان مقاماتی که پشتیبان آن حقوق بنیادین هستند. اما نکته پایانی یادداشت، این که چالش‌های پیش‌روی پرورش شهروند توانمند، همان مقاماتی که پشتیبان آن حقوق بنیادین هستند. اما نکته پایانی یادداشت، این که چالش‌های پیش‌روی پرورش شهروند توانمند، همان مقاماتی که پشتیبان آن حقوق بنیادین هستند. اما نکته پایانی یادداشت، این که چالش‌های پیش‌روی پرورش شهروند توانمند، همان مقاماتی که پشتیبان آن حقوق بنیادین هستند.

کشور رفته و به گروه دانش پیوسته است. در یک روز، چهار انسان را گردن زده بود و خیلی راحت و خشنود از کار خود دفاع کرد. بسیاری، در پرورش چنین انسان بی‌رحم و بی‌عاطف‌ای، مجموعه‌ای از عوامل سهیم بوده‌اند اما بی‌گمان، نقش آموزش و پرورش را هم نباید نادیده گرفت. اگر به راستی و آن گونه که شنیده می‌شود، شمار این کسان، چشمگیر باشد بازنگری بنیادین در پرورش اخلاقی و مدنی‌ای که در آموزش و پرورش برخی از کشورهای توسعه یافته دارد انجام می‌گیرد، بایسته می‌کند.



عکس: امیر جدیدی / شهریاد

پیرامون نقش مهم‌ترین رکن جامعه در تربیت نسل‌های آینده

خانواده نخستین آموزشگاه یک فرد

الهه مطلبی | کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

ابتدایی گفته شد، خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است و نخستین آموزشگاه فرد به حساب می‌آید. هر حرفی در باره تربیت کودک، نوجوان و جوان، بدون توجه به نقش حیاتی خانواده، صحبتی نادرست محسوب می‌شود. با دقت به ساختار یک خانواده می‌توان آینده آن جامعه و کشور را پیش‌بینی کرد.

البته باید متذکر شد که علاوه بر نمونه‌های گفته شده، هر خانواده دارای کارکردهایی است که بسیار باید در مورد آنها حرف زد و در مجال‌های مختلف آنها را بررسی کرد. خانواده زمانی می‌تواند در جهت رشد نسل‌های آینده گام بردارد که بین خود و فرزندانش رابطه‌ای ایجاد کند که او بتواند آذانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس و طرد کردن با آنها در میان گذارد. خانواده‌هایی که آموزش لازم را ندیده‌اند و از نحوه تربیت صحیح فرزندان خود بی‌خبرند زندگی آنان در آینده را با تهدید روبه‌رو می‌کنند و ممکن است در سال‌های زندگی پیش‌روی خود آسیب ببینند. رسانه‌ها می‌توانند در این زمینه نقش مثبتی را ایفا کرده و اندیشه‌های درست تربیت فرزندان را به خانواده‌ها منتقل کنند.

آن دارای مسئولیت‌های ویژه‌ای است که البته در هر جامعه‌ای میان آنها تفاوت‌هایی هم دیده می‌شود. اما می‌توان گفت که در کل مسئولیت عمده یک خانواده، تعلیم و تربیت فرزندان، پروراندن افرادی مفید برای جامعه است.

همه این موارد موضوعاتی است که یک جامعه سالم نمی‌تواند در مورد اهمیت آن بی‌اعتنا باشد. متناسب با انقلاب صنعتی نهاد خانواده مورد تهدیدات مختلفی قرار گرفت. بحث خانواده در بستر اندیشه‌های اجتماعی بسیار مورد کنکاش واقع شد.

اولین مسأله ضرورت حضور هر یک از افراد جامعه در خانواده و استفاده از تجربیات موجود در آن برای زندگی اجتماعی است. دوم هم آن که در روند تغییرات اجتماعی، خانواده‌ها در برابر دگرگونی‌های موجود باید از ساختارهای پویا برخوردار باشند. همان‌طور که در سطرهای

و در هر بازه ویژگی‌های خاص خود را دارد. برای مثال با گذر از نوجوانی به دوره دبیرستان، خانواده در موقعیت جدیدی قرار می‌گیرد.

به همین دلیل نقش و مسئولیتش هم متحول می‌شود و ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. والدینی که چگونگی رفتار با نوجوانان خود را آموخته‌اند، رفتاری درست داشته باشند. آنها می‌دانند که نوجوانان هیچ‌گاه از نصیحت تأثیر نمی‌پذیرند و رفتارشان رفتاری دوستانه و دور از نصیحت است.

خانواده نهادی است که شامل کارکردهای جامعه‌شناختی و روانشناسانه است. در این نهاد مفاهیمی مانند دوست‌داشتن، دوست‌داشته‌شدن، حمایت، همدیگر بخشی و... به خوبی

همچنین موضوعاتی مانند تعلیم و تربیت و انتقال عادات و فرهنگ قابل مشاهده است. در هر خانواده هر فردی از اعضای

نهاد خانواده به‌عنوان پایه‌گذار کلیه نهاد‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد توجه کارشناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی از یک‌سو و مسئولان و تصمیم‌گیران از سوی دیگر قرار دارد. پدر و مادر به‌عنوان اولین افرادی هستند که در تربیت کودکان خود نقش دارند و بعد از آنها، از گروه‌های همسن‌وسال خود الگو پذیرند. خانواده مهم‌ترین رکن هر جامعه محسوب می‌شود و می‌توان آسیب آن را به معنای آسیب کل جامعه دانست. نهاد خانواده، مهم‌ترین نهاد تاریخ بشر است و حتی امروز هم بیش از هر زمان دیگری بر اهمیت آن تأکید می‌شود.

در سال‌های گذشته بروز بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی مختلفی را شاهد بوده‌ایم که می‌توان از جمله دلایل به وجود آمدن آنها را نوع نگاه به کانون خانواده از سوی والدین و بی‌توجهی‌های آنان درباره رفتار و گفتار خود و الگوگیری فرزندان برشمرد. آنچه مسلم است این که فرزندان در آغاز تولد در خانواده رشد کرده و خوب و بد را در آن محیط درک می‌کنند.

در بازه‌های مختلف زندگی یک فرد، خانواده نقش مهمی در تربیت او می‌تواند داشته باشد؛ این نقش در دوره‌های مختلف متفاوت عمل می‌کند

دنیای امروز و آموزش حقوق شهروندی

مرتضی مجدرفر | کارشناس پژوهش‌های آموزشی

حقوق شهروندی در دنیای مدرن امروزی است که ماهم آموزش‌هایی را برای آن در نظر گرفتیم. این پورتال چنین مباحثی را از طریق خودآموز می‌کند. برای هر موضوع چند فیلم کوتاه و وبلاگ و پادکست در نظر گرفته شده تا آموزش از طریق انتقال دانش نباشد. خیلی از مدارس از این پورتال استقبال کردند و قرار شد تا همکاری‌های بیشتری در این زمینه داشته باشیم.

در این آموزش‌ها که والدین گروه هدف هستند، به‌راحتی و با چند برنامه تکمیلی می‌توانند خیلی از آموزش‌ها را به‌راحتی یاد بگیرند و این اطلاعات را به فرزندان خود در خانواده منتقل کنند. مادر بحث‌های اینچنینی به‌خصوص در زمینه مهارت‌های اجتماعی، به مثلث خانواده مدرسه و والدین تأکید زیادی می‌کنیم و معتقدیم اگر این مثلث به‌صورت درست با یکدیگر همکاری داشته باشد، بحث تربیت شهروندی به‌درستی در خانواده‌ها اجرایی می‌شود.

اما به صورت درست و اصولی اجرایی نشده است. ما در مدارس چنین آموزش‌هایی برای خانواده‌ها داریم اما همان‌طور که گفتیم این آموزش‌ها تنها با طرح برخی مباحث نظری و گذراندن ۱۴۲ ساعت کلاس درس و از طریق کتاب و انتقال دانش انجام می‌گیرد. در صورتی که این اتفاق با انتقال دانش نتیجه‌بخش نخواهد بود. به‌خصوص که ما در این سطح با افراد تحصیلکرده‌ای در ارتباط هستیم که انتقال دانش به آنها کمی نخواهد کرد.

در همین راستا سال گذشته ما پورتالی برای والدین طراحی کردیم که در آن ۱۲ بحث مهارت‌های اجتماعی را با روش‌های گوناگون به خانواده آموزش می‌داد. هشتمین موردی که اتفاقاً سازمان بهداشت جهانی هم روی آن تأکید کرده، بحث آموزش

دادن حقوق شهروندی در آموزش‌های غیررسمی قرار دارد که نمره و آزمون مطرح نیست و بچه‌ها اشتیاق بیشتری برای یادگیری آن دارند. در ایران و خیلی از کشورهای دنیا اما خیلی زودتر از این که به بچه‌ها آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی داده شود، باید خانواده‌ها مورد آموزش قرار بگیرند. آموزش حقوق شهروندی نیز از این قاعده مستثنی نیست و آموزش خانواده‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این خانواده‌ها هستند که با یادگیری اصول شهروندی آن را در خانه به بچه‌ها آموزش می‌دهند و می‌توانند کودکان را به سمت تربیت شهروندی پیش ببرند. در واقع نهاد خانواده در مورد مسأله یادگیری حقوق شهروندی خیلی بیشتر از گروه همسالان، جامعه و مدرسه نقش دارد. این پروژه در کشور ما

آنچه در مورد بحث آموزش‌های حقوق شهروندی به‌بچه‌ها، چه در محیط خانواده و چه مدرسه اهمیت دارد، این است که تربیت شهروندی و آموزش‌های حقوق شهروندی به صورت مرز پذیر و با یک برنامه مشخص امکان‌پذیر نیست. این به این معناست که حقوق شهروندی را نمی‌توان مانند شیمی و ریاضی به بچه‌ها آموزش داد و بعد از آموزش از آنها خواست که در قالب امتحان دانسته‌های خود را به مرحله آزمون بگذارند.

اگر چنین اتفاقی قرار باشد برای آموزش حقوق شهروندی در مدارس و نظام آموزشی بقیته، قطعاً شکست خواهد خورد. موضوع تربیت شهروندی و آموزش حقوق شهروندی باید مانند سایر مهارت‌های اجتماعی که در سازمان بهداشت جهانی هم به ثبت رسیده در قالب آموزش‌های غیررسمی و یک کار پرورشی به آن پرداخته شود. مثلاً تمام نکاتی که باید بچه‌ها یاد بگیرند باید با سرود و تئاتر همراه باشد تا بچه‌ها از آن لذت ببرند و آن را فرا بگیرند. مهم‌ترین جایگاه برای یاد

در چینه